

قدرت نرم و شاخص توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران و قطر (۲۰۲۰)

رضا شیرزادی^۱

محمد پورقربان^۲

چکیده

قدرت نرم یکی از اشکال قدرت، و معطوف به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی است. در مقابل، راهبردهای معطوف به قدرت سخت معطوف به مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز، تحریم‌های اقتصادی، و سیاست‌های تقابلی می‌باشد. از جمله حوزه‌های مهم قدرت نرم، اقتصاد است. از سوی دیگر، توسعه انسانی از جمله نظریه‌های جدید توسعه است که از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفته، و برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق را دنبال می‌کند. توسعه انسانی و تقویت آن، یکی از نمودهای قدرت نرم اقتصادی به شمار می‌رود. ج.ا.ایران و قطر، دو کشور عمده در منطقه خاورمیانه هستند که دارای رتبه خاص خود از نظر سطح توسعه انسانی می‌باشند. هدف این پژوهش، بررسی وضعیت دو کشور از نظر شاخص توسعه انسانی و چرایی آن است. در گزارش اخیر این سازمان (۲۰۲۰) ایران با کسب امتیاز ۷۸۳/۰، رتبه ۷۰، و کشور قطر با کسب امتیاز ۸۴۸/۰، رتبه ۴۵ را به خود اختصاص داده است. حال باید پرسید چه عواملی بیشترین تأثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ در این میان، جمعیت، امید به زندگی و درآمد ملی سرانه (متغیر مستقل)، وجه تمایز و عوامل تأثیرگذار بر رتبه و شاخص توسعه انسانی دو کشور (متغیر وابسته) را تشکیل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: قدرت نرم، توسعه، توسعه انسانی، امید به زندگی، درآمد ملی سرانه، ایران، قطر.

۱. استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)
shirzadi2020@yahoo.com

۲. استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

در دنیای امروز در ارتباط با قدرت بین‌المللی، عواملی همچون رشد اقتصادی، فناوری و آموزش، از اهمیت بیشتری برخوردارند. این در حالی است که جغرافیا، جمعیت و مواد خام، به عوامل کم اهمیت‌تر تبدیل می‌شوند. همستگی ملی، فرهنگ جهانی و نهادهای بین‌المللی، در حال به دست آوردن اهمیت بیشتری‌اند. قدرت، در حال گذار از «غناي ثروت» به «غناي اطلاعات» است. با ظهور اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، مواد خام از اهمیت کمتر و مهارت‌ها و انعطاف‌پذیری سازمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند.

قدرت نرم و مباحث مرتبط با آن از جمله مفاهیمی است که در دو دهه اخیر مطرح گردیده، و هر یک از کشورها با توجه به ویژگی‌ها و منابع خاص خود، از سطحی از قدرت نرم برخوردار است (نصیری، ۱۳۹۹: ۳۰۳). امروزه سرمایه‌های اجتماعی بخش عمده‌ای از ثروت‌های عمومی ناملموس محسوب می‌شوند که صیانت از ثروت عمومی نیازمند حکمرانی مطلوب (به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم) است (حق‌پناهان و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳۷). باید دانست راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بر ارزش‌های سیاسی مشترک و ابزارهای غیرخشونت‌آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارند. در مقابل، راهبردهای معطوف به قدرت سخت عموماً در راستای پیشبرد منافع ملی بر مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریم‌های اقتصادی متمرکز هستند و به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با کشورهای هدف منجر می‌شوند. از جمله مؤلفه‌ها و حوزه‌های مهم قدرت نرم، اقتصاد است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۷-۶).

توسعه‌ی انسانی یکی از نظریه‌های متأخر توسعه و نمونه‌ای از قدرت نرم به شمار می‌رود که از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد مقبولیت عام یافته است. از دید توسعه‌ی انسانی؛ برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق، هدف نهایی توسعه است. این همان قدرت مؤلفه‌های قدرت نرم اقتصادی است که در ادامه بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد. امروزه یکی از شاخص‌های سنجش سطح توسعه‌ی کشورهای مختلف، گزارش‌های ملی و بین‌المللی توسعه‌ی انسانی است.

در دهه‌های اخیر، مسئله توسعه و توسعه‌نیافتگی همواره ذهن محققان و سیاستگذاران را به خود مشغول کرده، و روندی است همه‌جانبه و فراگیر در جهت بهبود شرایط زندگی و افزایش توانایی‌های انسان برای پاسخگویی به نیازهای مادی و اجتماعی. تا مدت‌ها راه ارزیابی

توسعه یافتگی کشورهای مختلف جهان، رجوع به شاخص های درآمد سرانه بود، اما با انتقادات وارده به این شاخص ها، تدریجاً راه برای طرح نظریه توسعه انسانی باز شد. شاخص توسعه انسانی که شاخص ترکیبی است، توسط نهاد برنامه توسعه ملل متحد از سال ۱۹۹۰ جهت بررسی وضعیت کشورهای مختلف از حیث توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفته است و هر ساله طی يك گزارش بین المللی، وضعیت توسعه انسانی کشورهای بررسی شده، و بر حسب جایگاه و میانگین امتیازات در چهار گروه توسعه انسانی بسیار بالا، توسعه انسانی بالا، توسعه انسانی متوسط، و توسعه انسانی پایین دسته بندی می شوند.

دیدگاه توسعه انسانی با استفاده از شیوه های مشارکتی سعی می کند زمینه ای برای برطرف ساختن نیازهای اساسی (غذا، پوشاک و ...) و نیل به زندگی شرافتمندانه از طریق تأمین آموزش، بهداشت، تغذیه و بسط استعدادها و ظرفیت های انسان ایجاد کند و می کوشد تا کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را بهبود بخشد و به وی امکان استفاده بهتر و بیشتر از زندگی را بدهد. شاخص توسعه انسانی به دنبال اندازه گیری ترکیبی سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی برای زندگی بهتر (تغذیه، درآمد)، و برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامتی است.

در هر صورت، هدف شاخص های توسعه انسانی، فراتر رفتن از درآمد و مادیات برای ارزیابی رضایت از زندگی در طولانی مدت برای افراد جوامع مختلف است و توجه به توسعه انسان، برای انسان و به وسیله انسان و تأکید بر این دارد که هدف واقعی برنامه های توسعه در نهایت باید ایجاد شرایطی برای زندگی سالم، خلاقانه و شاد برای انسان ها باشد. شاخص های قابل تعریف برای توسعه انسانی عبارتند از: شاخص فقر درآمدی و انسانی؛ روندهای جمعیتی؛ تعهد به سلامت؛ آب و فاضلاب و وضعیت تغذیه؛ نابرابری در سلامت کودکان؛ بحران ها و مخاطرات مربوط به سلامت؛ حداقل حیات؛ تعهد به آموزش؛ مخارج عمومی؛ سواد و ثبت نام در مدارس؛ پنخس و تولید تکنولوژی؛ کارایی اقتصادی؛ نابرابری در درآمد و مخارج؛ ساختار مبادلات بین المللی؛ جریان کمک های بین المللی؛ انرژی و محیط زیست؛ انتشار دی اکسید کربن؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین المللی در مورد محیط زیست؛ مهاجرت؛ جرم و جنایت و نظام قضایی؛ نابرابری های جنسیتی در آموزش؛ نابرابری جنسیتی در فعالیت های اقتصادی؛ جنسیت، کار و تخصیص زمانی؛ مشارکت سیاسی زنان؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین المللی مربوط به حقوق بشر؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین المللی مربوط به حقوق کارگران.

وضعیت دو کشور ج.ا.ایران و قطر به عنوان مطالعه مقایسه‌ای این پژوهش، در دستور کار برای بررسی است. این دو کشور در منطقه خاورمیانه واقع شده، و در زمره قدرت‌های منطقه‌ای به شمار می‌روند. هدف ما در این مطالعه، بررسی وضعیت و وضعیت این دو کشور از نظر شاخص توسعه انسانی و نیز چرایی آن است. حصول توسعه در یک کشور مستلزم شناخت و بررسی جنبه‌های نظری و تجربه‌های مختلف توسعه به ویژه نمونه‌های موفق است. این مسئله برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بسیار ضروری تر می‌باشد. وضعیت دو کشور ایران و قطر به عنوان کشورهای برتر در منطقه خاورمیانه، و نیز این که هر دو کشور در دهه‌های گذشته، فاصله چندانی نداشته‌اند، در خور توجه و تحلیل خواهد بود و می‌تواند دارای اهمیت و درس‌های لازم باشد.

نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که رتبه جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۲۰۲۰، ۷۰ با کسب امتیاز ۰/۷۸۳، و رتبه کشور قطر ۴۵، با کسب امتیاز ۰/۸۴۸، بوده است. با توجه به رتبه‌بندی این دو کشور، این سوال مطرح می‌شود که چه عواملی بیشترین تاثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ در این میان، جمعیت، امید به زندگی و درآمد ملی سرانه وجه تمایز و عوامل تاثیر گذار بر شاخص توسعه انسانی دو کشور را تشکیل می‌دهند.

۱. مفهوم و تحول دیدگاه توسعه

از دهه‌ی ۱۹۴۰، مباحث مربوط به توسعه نخست در حوزه‌ی علوم اقتصادی توسط رائل پریش و سلسو فورتادو (اقتصاددانان آرژانتینی و برزیلی) مطرح شد (Shard, Miller and Haller, 1998: 82-83). به مرور این رشته از مطالعات در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی در دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند. بنابراین، اولین گروهی که به مطالعه‌ی مفهوم و فرآیند توسعه پرداختند، از میان اقتصاددانان برآمدند و در نهایت علم اقتصاد توسعه را ایجاد کردند. به این ترتیب، نادیده گرفتن جنبه‌های غیراقتصادی توسعه را در نظریات اولیه نباید چندان غیر منتظره تلقی کرد. اکنون همگان توسعه را چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی می‌دانند که گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و بزرگداشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را هم در بر می‌گیرد (قاضیان، ۱۳۷۱: ۱۰۱). بر این اساس، تعاریف جدید توسعه واجد

وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر می‌باشند و توسعه را در جامعیت آن می‌دانند (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۵۳-۴۳۵).

به هر ترتیب، توسعه عبارتست از رشد به علاوه‌ی دگرگونی، و دگرگونی هم نه فقط جنبه‌ی اقتصادی و کمّی، بلکه جنبه‌ی اجتماعی، فرهنگی و کیفی هم دارد (زاکس، ۱۳۷۷: ۲۴). مسئله‌ی اصلی را باید بهبود کیفیت زندگی مردم دانست (شیرزادی، ۱۳۹۹: ۲۹). در دهه‌ی ۱۹۹۰ نظریه‌ی توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفت و گزارش‌های ملی در خصوص آن تهیه و تدوین گردید.

۲. قدرت نرم، قدرت اقتصادی نرم، آثار و پیامدها

قدرت نرم به عنوان یک نظریه منسجم، برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای مطرح شد. قدرت نرم عبارت است از: توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستور کار، متقاعدسازی و جذب مثبت به منظور به دست آوردن نتایج مطلوب. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره‌ی موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده‌ی دیگران را تابع اراده‌ی خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. به این ترتیب، در به کارگیری قدرت نرم نتایجی به صورت تولید رضایتمندی، تولید اعتقاد، تولید اعتبار و تمکین به دست می‌آید (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۹).

قدرت اقتصادی به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم مطرح می‌شود. قدرت اقتصادی مستقیم؛ هم از راه ترغیب و هم از راه فشار اقتصادی، در راستای کسب منافع یک دولت به کار گرفته می‌شود و معمولاً به چگونگی استفاده‌ی دولت از ابزارهای تشویق و تنبیه اقتصادی برمی‌گردد. اما قدرت اقتصادی غیرمستقیم؛ به رشد فزاینده‌ی وابستگی متقابل اقتصاد سیاسی جهان از دهه ۱۹۷۰ تاکنون و همچنین حضور قوی و روشن‌تر اقتصاد در روابط بین دولت‌ها برمی‌گردد.

جوزف نای هر چند در آثار اولیه خود انواع قدرت را در عصر جهانی اطلاعات شامل سه قدرت نظامی و اقتصادی و نرم می‌داند و قدرت را دارای دو لایه سخت و نرم دانسته، و قدرت اقتصادی را همانند قدرت نظامی، جزء قدرت سخت به شمار می‌آورد؛ اما در آثار بعدی خود، منابع اقتصادی را جزء یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌کند و معتقد است منابع اقتصادی؛

هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند و قدرت اقتصادی یکی از مهمترین ابزارها در سیاست‌های قدرت نرم است و به مؤلفه‌ها و منابع اقتصادی از قبیل وابستگی متقابل اقتصادی، منابع طبیعی، نفت و گاز (انرژی) و تحریم‌های مثبت و منفی اشاره می‌کند. به هر ترتیب، امروزه قدرت نرم اقتصادی را مهمترین و اولین نوع قدرت نرم می‌دانند و برای اندازه‌گیری آن شاخص‌هایی از قبیل روابط اقتصادی، خرید محصولات، موافقتنامه تجارت آزاد، نفوذ اقتصادی، کمک به توسعه اقتصادی کشورها، کمک‌های بشردوستانه، سهم شرکت‌ها، اقتصاد رقابتی، فرصت‌های اقتصادی برای نیروی کار، روحیه کارآفرینی، پیشرو در شرکت‌های برجسته چند ملیتی و کیفیت محصولات را مطرح می‌کنند.

قدرت نرم اقتصادی، پرورش دهنده قدرت سخت اقتصادی است. قدرت نرم اقتصادی صرفاً با نیازهای مادی شناخته نمی‌شود، بلکه تحت تأثیر ترکیب خاصی از عقلانیت‌های راهبردی یا فنی اقتصادی (سودآوری، تولید، ثروت)، سیاسی (امنیت و رفاه عمومی و حفظ منزلت موجود)، و فرهنگی (ارزش‌گرایی و مطلوب‌گرایی و کمال‌خواهی) می‌باشد. از این منظر، هدف اقتصاد دیگر تنها کسب سود و افزایش منفعت فردی و گروهی کنشگران درگیر در صحنه اقتصادی نیست، بلکه اهداف دیگری را نظیر اخلاقی و انسانی کردن روابط اقتصادی و حاکمیت فرهنگ و سیاست در استخدام محیط برای رفع نیازهای فردی و جمعی نیز در بر می‌گیرد (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۵).

در نهایت، مجموعه نتایج در قدرت نرم اقتصادی باعث اقناع یا القای اقتصادی شده، موفقیت سیاست‌های داخلی و خارجی و منطقه‌ای را در پی دارد و موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی در جوامع اقتصادی در یک دوره اقتصادی می‌شود. تولید اقناع اقتصادی در یک دوره اقتصادی، موجب افزایش سطح فعالیت‌ها و تولیدات اقتصادی شده، رشد اقتصادی را در بخش‌های اقتصادی سبب می‌شود و استمرار آن، تبدیل به یک «الگوی اقتصادی» می‌شود. این مرحله، مهمترین مرحله قدرت نرم اقتصادی است؛ چون الگوی اقتصادی تولید شده، اقتصاد را در دوره بعد با اقتصادی پیشرفته و دارای قدرت اقتصادی بالا مواجه می‌سازد.

اگر در هر زمان از یک دوره اقتصادی یا یک دوره از اقتصاد، قدرت نرم اقتصادی مورد غفلت قرار گیرد، جامعه اقتصادی با تهدید نرم اقتصادی مواجه خواهد شد که هدف آن، نابسامانی اقتصادی و شروع نارضایتی در اقتصاد است و ادامه آن، بر عکس مراحل قدرت نرم اقتصادی

عمل خواهد کرد و چنانچه مدیریت نشود، در مراحل خود موجب کاهش اعتقاد و اعتبار اقتصادی در نزد مردم شده، اقتصاد را با بحران مواجه خواهد کرد. ادامه این بحران، الگوی اقتصادی تولید شده را نیز با چالش مواجه کرده و در نهایت، منجر به شکست و نابودی آن خواهد شد (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۰).

۳. مفهوم و فرآیند توسعه‌ی انسانی

امر توسعه فرآیندی چند بعدی است که شامل تغییرات در رفتار افراد، ساختار اجتماعی، نگرش عمومی و نهادهای ملی است. در واقع، توسعه، سازمان‌های اقتصادی و نظام‌های سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. اهداف پذیرفته شده‌ی استراتژی یا سیاست توسعه عبارتند از: رشد، عدالت و کاهش فقر اقتصادی، مردم‌سالاری و ثبات سیاسی. توسعه‌ی موفق، هم مبتنی بر تعادل نیروهای بازار، و هم عدالت ناشی از مداخله‌ی دولت در بخش‌هایی است که نیروهای بازار به پیامدهای نامطلوب سیاسی و اقتصادی منجر شده‌اند. توسعه‌ی انسانی دو وجه دارد: یک وجه آن مربوط است به ایجاد قابلیت‌های انسانی همچون بهبود سلامت، دانش و مهارت؛ و وجه دیگر به استفاده افراد از قابلیت‌های کسب شده‌شان برای فرصت‌ها و اهداف سودمندی همچون فعال بودن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود. آزادی بیشتر و رشد قابلیت‌ها باعث عملکرد اقتصادی بیشتر می‌شود و توسعه‌ی انسانی در رشد اقتصادی نقش مؤثرتری دارد. از طرف دیگر، افزایش درآمدها، دایره‌ی انتخاب خانوارها و دولت و قابلیت آنها را افزایش می‌دهد و رشد اقتصادی باعث افزایش سطح توسعه‌ی انسانی می‌گردد. بنابراین رابطه‌ی رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی یک رابطه‌ی دو طرفه‌ی معنادار است (محمودی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۲).

۴. شاخص توسعه انسانی

سنجش توسعه‌ی انسانی هر کشور، مبتنی بر ارزیابی شاخص توسعه‌ی انسانی (Human Development Index: HDI) است. شاخص توسعه‌ی انسانی، یک شاخص ترکیبی است که همه ساله از سوی برنامه‌ی توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) منتشر شده، به مرور زمان مورد تعدیل و تکمیل قرار گرفته است و اینک به عنوان یک شاخص مقبول بین‌المللی برای سنجش

سطح توسعه‌ی جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص توسعه‌ی انسانی سه بُعد از زندگی را دربر می‌گیرد: زندگی طولانی و سالم، دانش، و سطح استاندارد زندگی. طول عمر دربرگیرنده امید به زندگی در بدو تولد و نرخ زنده ماندن نوزادان است. دانش، باسواد بزرگسالان، نرخ ناخالص ثبت نام، نرخ ثبت نام دختران و تعداد دانشمندان و متخصصان تحقیق و توسعه را شامل می‌شود، و سطح زندگی نیز درآمد سرانه، نیروی کار به عنوان درصدی از جمعیت و تعداد جمعیتی که به آب سالم دسترسی دارند را شامل می‌شود.

۵. مروری بر گزارش ۲۰۲۰ توسعه انسانی

همچنان که اشاره شد، گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس شاخص‌هایی چون توسعه انسانی (صفر کمترین و یک بیشترین توسعه)، متوسط امید به زندگی بر حسب سال، سال‌های مورد انتظار تحصیل بر حسب سال، حداقل زمان تحصیل بر حسب سال و متوسط درآمد سرانه ناخالص ملی رده‌بندی کرده است. در این گزارش، کشورهای جهان از نظر میزان توسعه انسانی به چهار گروه تقسیم‌بندی شده‌اند که عبارتند از: کشورهای دارای توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط و کشورهای دارای توسعه انسانی پایین. در گزارش جدید سازمان ملل ۶۶ کشور در گروه نخست قرار گرفته‌اند، یعنی دارای توسعه انسانی بسیار بالا هستند و ایران با آخرین کشور در این گروه، ۵ پله فاصله دارد. کشورهای آلمان در رتبه ۶، هلند در رده ۸، انگلیس ۱۳، کانادا ۱۶، آمریکا ۱۷، امارات ۳۱، روسیه ۵۲، ترکیه ۵۴، چین ۸۵، آذربایجان ۸۸، و هند ۱۳۱ قرار گرفته‌اند. هنگ کنگ، ژاپن، سوئیس، سنگاپور و اسپانیا بالاترین میزان امید به زندگی را دارند و کمترین امید به زندگی مربوط به گینه استوایی، گینه بیسایو، لسوتو، سیرالئون و نیجریه است (<https://www.isna.ir/news/99092619960>).

۶. ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی در ایران

ارزش شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی بالا یعنی در رتبه ۷۰ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران از ۰/۵۶۵ به ۰/۷۸۳ افزایش یافته، که

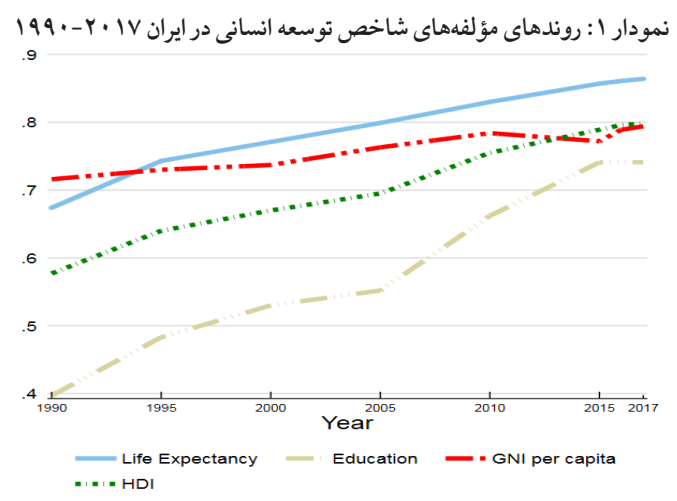
افزایشی ۳۸/۶ درصدی داشته است. بر اساس جدول ۱، بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در ایران تا ۱۲/۸ سال، میانگین سالهای تحصیل تا ۶/۱ سال، و سالهای مورد انتظار تحصیل تا ۵/۶ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه نیز تا حدود ۴۳/۵ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

جدول ۱: روندهای شاخص توسعه انسانی در ایران

سال	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای مورد انتظار تحصیل	میانگین سالهای تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۷)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۶۳/۸	۹/۲	۴/۲	۸۶۷۳	۰/۵۶۵
۱۹۹۵	۶۸/۴	۱۱/۱	۵/۳	۹۴۱۲	۰/۶۲۷
۲۰۰۰	۷۰/۲	۱۱/۶	۶/۲	۱۰۰۷۱	۰/۶۵۸
۲۰۰۵	۷۱/۹	۱۱/۴	۷	۱۱۹۸۲	۰/۶۸۳
۲۰۱۰	۷۳/۹	۱۳/۱	۹	۱۳۸۱۳	۰/۷۴۲
۲۰۱۵	۷۵/۸	۱۴/۷	۹/۹	۱۲۷۳۰	۰/۷۷۴
۲۰۱۶	۷۶	۱۴/۹	۱۰	۱۴۲۴۶	۰/۷۸۴
۲۰۱۷	۷۶/۳	۱۴/۹	۱۰	۱۴۵۶۳	۰/۷۸۸
۲۰۱۸	۷۶/۵	۱۴/۸	۱۰/۱	۱۳۶۱۷	۰/۷۸۵
۲۰۱۹	۷۶/۷	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲۴۴۷	۰/۷۸۳

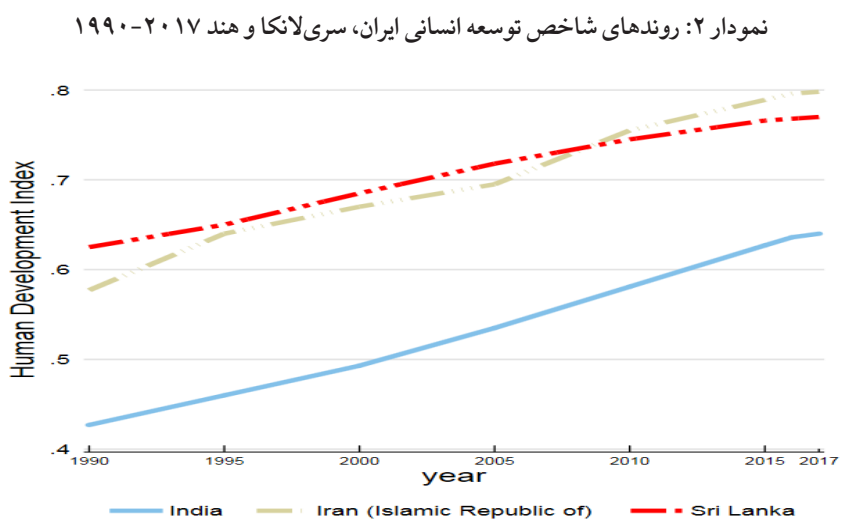
- Human Development Report, 2020: 212.

نمودار ۱ روندهای سهم هریک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در ایران را طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۱۷ را نشان می‌دهد.



- Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 3.

پیشرفت طولانی مدت ایران می‌تواند با دیگر کشورها مقایسه شود. برای نمونه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ ایران، سری لانکا و هند میزان متفاوتی از پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی را تجربه کردند. (نمودار ۲).



- Human Development Report, 2015(Briefing Note for Countries): 4.

شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ یعنی بالای میانگین ۰/۷۵۳ برای گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا، و بالای میانگین ۰/۶۴۱ برای کشورهای آسیای جنوبی است. از آسیای جنوبی کشورهایی که نزدیک به ایران در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، بنگلادش و پاکستان می باشند که رتبه بندی شاخص ها را با رتبه ۱۳۳ و ۱۵۴ دارا می باشند (جدول ۴).

جدول ۲: شاخص های توسعه انسانی در ایران در سال ۲۰۱۹

در مقایسه با برخی کشورها و گروه های کشوری منتخب

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال های تحصیل	ناخالص ملی سرانه (برای قدرت خرید دلار)	درآمد
ایران	۰/۷۸۳	۷۰	۷۶/۲	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲۴۴۷	
بنگلادش	۰/۶۳۲	۱۳۳	۷۲/۶	۱۱/۶	۶/۲	۴۹۷۶	
پاکستان	۰/۵۵۷	۱۵۴	۶۷/۳	۸/۳	۵/۲	۵۰۰۵	
آسیای جنوبی	۰/۶۴۱	-	۶۹/۹	۱۱/۷	۶/۵	۶۵۳۲	
کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا	۰/۷۵۳	-	۷۵/۳	۱۴	۸/۴	۱۴۲۵۵	

- Human Development Report, 2020 (Briefing Note for Countries): 5.

شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ است. به هر جهت، وقتی ارزش شاخص توسعه انسانی برای نابرابری کاهش می یابد، شاخص توسعه انسانی به ۰/۶۹۳ سقوط می کند که ۱۱/۵ درصد مربوط به نابرابری در توزیع شاخص های ابعاد سه گانه شاخص توسعه انسانی است. بنگلادش و پاکستان به ترتیب افت ۲۴/۴ درصدی و ۳۱/۱ درصدی را به دلیل نابرابری نشان می دهند. میانگین کاهش به دلیل نابرابری برای کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا، ۱۷/۹ درصد و برای کشورهای آسیای جنوبی، ۲۵/۹ درصد است. ضریب نابرابر انسانی برای ایران به میزان ۱۱/۳ درصد است.

جدول ۳: شاخص نابرابری توسعه انسانی در ایران در مقایسه با کشورها و گروه کشورهای منتخب

کشورها	ارزش شاخص نابرابری توسعه انسانی	درصد کلی از دست رفته	ضریب نابرابری انسانی	درصد نابرابری در امید به زندگی در بدو تولد	درصد نابرابری در آموزش	درصد نابرابری در درآمد
ایران	۰/۶۹۳	۱۱/۵	۱۱/۳	۹/۲	۵	۱۹/۷
بنگلادش	۰/۴۷۸	۲۴/۴	۲۳/۷	۱۷/۳	۳۷/۳	۱۶/۶
پاکستان	۰/۳۸۴	۳۱/۱	۳۰/۲	۲۹/۹	۴۳/۵	۱۷/۲
آسیای جنوبی	۰/۴۷۵	۲۵/۹	۲۵/۴	۲۰/۲	۳۷/۵	۱۸/۵
کشورهای با توسعه انسانی بالا	۰/۶۱۸	۱۷/۹	۱۷/۶	۱۰/۱	۱۴/۵	۲۸

- Human Development Report, 2020: 216.

شاخص توسعه جنسیت برای ۱۶۷ کشور محاسبه شده است. ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان ایران ۰/۷۰۹ در مقایسه با ۰/۸۱۹ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۸۶۶ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بنگلادش و پاکستان به ترتیب ۰/۹۰۴ و ۰/۷۴۵ هستند (جدول ۴).

جدول ۴: ارزش شاخص توسعه جنسیت ایران در مقایسه با دیگر کشورها

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال‌های مورد انتظار تحصیل		میانگین سالهای تحصیل		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه انسانی		نرخ زن - مرد
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
ایران	۷۷/۹	۷۵/۶	۱۴/۶	۱۵	۱۰/۳	۱۰/۴	۴۰۸۴	۲۰۶۳۷	۰/۷۰۹	۰/۸۱۹	۰/۸۶۶
بنگلادش	۷۴/۶	۷۰/۹	۱۲	۱۱/۲	۵/۷	۶/۹	۲۸۷۳	۷۰۳۱	۰/۵۹۶	۰/۶۶۰	۰/۹۰۴
پاکستان	۶۸/۳	۶۶/۳	۷/۶	۸/۹	۳/۸	۶/۳	۱۳۹۳	۸۴۱۲	۰/۴۵۶	۰/۶۱۲	۰/۷۴۵
آسیای جنوبی	۷۱/۳	۶۸/۷	۱۱/۹	۱۱/۵	۵/۵	۸/۴	۲۳۹۳	۱۰۴۱۶	۰/۵۷۰	۰/۶۹۲	۰/۸۲۴
کشورهای با توسعه انسانی بالا	۷۸	۷۲/۸	۱۴/۱	۱۳/۹	۸/۲	۸/۷	۱۰۵۲۹	۱۷۹۱۲	۰/۷۳۶	۰/۷۶۶	۰/۹۶۱

- Human Development Report, 2020: 220.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی ایران، ۰/۴۵۹ است و رتبه بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۱۱۳ می باشد. در ایران ۵/۹ درصد از صندلی های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۶۷/۴ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۲/۸ درصد مردان، کسب کرده اند. برای هر ۱۰۰/۰۰۰ تولد زنده، ۱۶ زن به علل مربوط به بارداری می میرند و زاد و ولد نوجوانان ۴۰/۶ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۱۷/۵ درصد در مقایسه با ۷۱/۵ درصد مردان است. در مقایسه، بنگلادش و پاکستان در این شاخص به ترتیب در رتبه ۱۳۳ و ۱۳۵ قرار دارند. برای بررسی مقایسه ای این شاخص در ایران و برخی کشورهای منتخب به جدول ۵ مراجعه کنید.

جدول ۵: شاخص نابرابری جنسیتی ایران و دیگر کشورها در سال ۲۰۱۹

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
ایران	۰/۴۵۹	۱۱۳	۱۶	۴۰/۶	۵/۹	۶۷/۴	۷۲/۸	۱۷/۵	۷۱/۵
بنگلادش	۰/۵۳۷	۱۳۳	۱۷۳	۸۳	۲۰/۶	۳۹/۸	۴۷/۵	۳۶/۳	۸۱/۴
پاکستان	۰/۵۳۸	۱۳۵	۱۴۰	۳۸/۸	۲۰	۲۷/۶	۴۵/۷	۲۱/۹	۸۱/۷
آسیای جنوبی	۰/۵۰۵	-	۱۴۸/۶	۲۶	۱۷/۵	۳۱/۳	۴۸/۴	۲۳/۲	۷۷
کشورها با توسعه انسانی بالا	۰/۳۴۰	-	۶۲/۳	۳۳/۶	۲۴/۵	۶۹/۸	۷۵/۱	۵۴/۲	۷۵/۴

- Human Development Report, 2020: 224.

۷. ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی در قطر

ارزش شاخص توسعه انسانی قطر برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۴۸ است که این کشور را در دسته بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۴۵ در بین ۱۸۹ کشور قرار می دهد. بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی قطر از ۰/۷۵۰ به ۰/۸۴۸ افزایش یافته که افزایشی ۱۳/۱ درصدی داشته است. وضعیت قطر نشان از پیشرفت شاخص های توسعه انسانی این کشور دارد. بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۴/۴ سال، میانگین سال های تحصیل تا ۴/۳ سال، و سال های مورد انتظار تحصیل تا ۰/۲ سال افزایش یافته

است. درآمد ناخالص ملی سرانه قطر نیز تا حدود ۵۰/۷ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

جدول ۶: روندهای شاخص توسعه انسانی در قطر

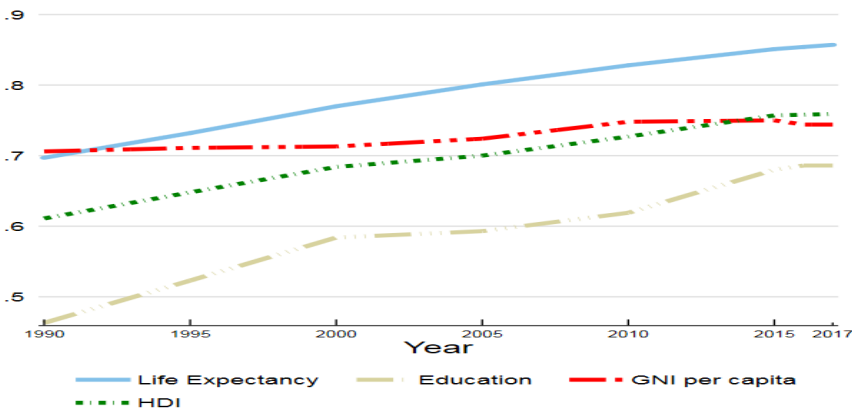
سال	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای تحصیل مورد انتظار	میانگین سالهای تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۱)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۷۵/۸	۱۱/۸	۵/۴	۶۱۳۲۴	۰/۷۵۰
۱۹۹۵	۷۶/۸	۱۳/۱	۵/۹	۶۳۷۶۵	۰/۷۸۲
۲۰۰۰	۷۷/۵	۱۲/۶	۷/۹	۸۹۴۵۹	۰/۸۱۶
۲۰۰۵	۷۸/۳	۱۳/۱	۸/۸	۸۳۱۵۳	۰/۸۳۸
۲۰۱۰	۷۹/۱	۱۲/۸	۸/۴	۹۱۶۵۲	۰/۸۳۴
۲۰۱۵	۷۹/۸	۱۱/۴	۹/۷	۹۵۶۳۴	۰/۸۳۹
۲۰۱۶	۷۹/۹	۱۲	۹/۷	۹۵۵۱۷	۰/۸۴۵
۲۰۱۷	۸۰	۱۲/۲	۹/۷	۹۵۵۱۷	۰/۸۴۵
۲۰۱۸	۸۰/۱	۱۱/۹	۹/۷	۹۴۲۶۵	۰/۸۴۵
۲۰۱۹	۸۰/۲	۱۲	۹/۷	۹۲۴۱۸	۰/۸۴۸

- Human Development Report, 2020: 212.

نمودار ۳ سهم هریک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی قطر از سال ۱۹۹۰ تاکنون را نشان

می‌دهد.

نمودار ۳: روندهای مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در قطر ۲۰۱۷-۱۹۹۰



- Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 3.

شاخص توسعه انسانی قطر در سال ۲۰۱۹، ۰/۸۴۸ یعنی زیر میانگین ۰/۸۹۸ برای گروه کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، و بالای میانگین ۰/۷۰۵ برای کشورهای عرب است. از کشورهای عرب، کشورهایی که نزدیک به قطر در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، بحرین و امارات متحده عربی می باشند که رتبه بندی شاخص ها را با رتبه ۴۲ و ۳۱ دارا می باشند (جدول ۷).

جدول ۷: شاخص های توسعه انسانی در قطر در سال ۲۰۱۹

در مقایسه با برخی کشورها و گروه های کشوری منتخب

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برای قدرت خرید دلار)
قطر	۰/۸۴۸	۴۵	۸۰/۲	۱۲	۹/۷	۹۲۴۱۸
بحرین	۰/۸۵۲	۴۲	۷۷/۳	۱۶/۳	۹/۵	۴۲۵۲۲
امارات متحده عربی	۰/۸۹۰	۳۱	۷۸	۱۴/۳	۱۲/۱	۶۷۴۶۲
کشورهای عرب	۰/۷۰۵	-	۷۲/۱	۱۲/۱	۷/۳	۱۴۸۶۹
کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۸۹۸	-	۷۹/۶	۱۶/۳	۱۲/۲	۴۴۵۶۶

- Human Development Report, 2020 (Briefing Note for Countries): 3.

ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان قطر ۰/۸۶۶ در مقایسه با ۰/۸۴۱ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۱/۰۳۰ می کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بحرین و امارات متحده به ترتیب ۰/۹۲۲ و ۰/۹۳۱ هستند (جدول ۸).

جدول ۸: ارزش شاخص توسعه جنسیت در قطر در مقایسه با دیگر کشورها

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال های مورد انتظار تحصیل		میانگین سال های تحصیل		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه انسانی		نرخ زن - مرد
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
قطر	۷۹/۳	۷۹/۱	۸۲	۱۱/۳	۱۱/۳	۹/۴	۴۵۳۳۸	۱۰۷۸۳۳	۰/۸۶۶	۰/۸۴۱	۱/۰۳۰

بحرین	۷۸/۲	۷۶/۴	۷۸/۴	۱۶/۱	۹/۱	۹/۷	۱۹۰۵۹	۵۵۵۶۵	۰/۸۰۶	۰/۸۷۴	۰/۹۲۲
امارات متحده عربی	۷۹/۷	۷۷/۳	۷۹/۳	۱۴/۱	۱۱/۷	۱۲/۴	۲۸۵۷۸	۸۴۷۲۳	۰/۸۴۲	۰/۹۰۵	۰/۹۳۱
کشورهای عرب	۷۸/۹	۷۰/۴	۷۳/۹	۱۲/۴	۶/۵	۸/۱	۵۰۹۲	۲۳۹۲۳	۰/۶۳۶	۰/۷۴۳	۰/۸۵۶
کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا	۷۸/۲	۷۶/۸	۸۲/۴	۱۶	۱۲	۱۲/۲	۳۳۶۶۸	۵۵۷۲۰	۰/۸۸۶	۰/۹۰۳	۰/۹۸۱

- Human Development Report, 2018: 220.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی قطر، ۰/۱۸۵ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۴۳ می‌باشد. در قطر ۹/۸ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۷۶/۱ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۶۶/۲ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰۰/۰۰۰ تولد زنده، ۹ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۹/۹ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۵۶/۸ درصد در مقایسه با ۹۴/۷ درصد مردان است. در مقایسه، بحرین و امارات متحده عربی در این شاخص به ترتیب در رتبه ۴۹ و ۱۸ قرار دارند. برای بررسی مقایسه‌ای این شاخص در قطر و برخی کشورهای منتخب به جدول ۱۱ مراجعه کنید.

جدول ۹: شاخص نابرابری جنسیتی در قطر و دیگر کشورها در سال ۲۰۱۷

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی‌های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
قطر	۰/۱۸۵	۴۳	۹	۹/۹	۹/۸	۷۶/۱	۶۶/۲	۵۶/۸	۹۴/۷
بحرین	۰/۲۱۲	۴۹	۱۴	۱۳/۴	۱۸/۸	۶۸/۱	۷۴/۳	۴۵	۸۷/۲
امارات متحده عربی	۰/۰۷۹	۱۸	۳	۶/۵	۵۰	۷۶	۸۱	۵۲/۴	۹۳/۴
کشورهای عرب	۰/۵۱۸	-	۱۳۵/۴	۴۶/۸	۱۸	۴۹/۳	۵۵/۸	۲۰/۷	۷۳
شاخص توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۱۷۳	-	۱۴/۲	۱۷/۲	۲۸/۳	۸۶/۵	۸۸/۶	۵۲/۳	۶۹/۱

- Human Development Report, 2020: 224.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همچنان که اشاره شد، توسعه‌ی اقتصادی فرآیندی چند بُعدی است که در اثر تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد، که هم جنبه‌ی عینی و مادی و هم جنبه‌ی ذهنی زندگی افراد را در بر می‌گیرد. کشورهای در حال توسعه عموماً به دنبال رسیدن به اهداف مشترکی از قبیل تأمین امکانات اقتصادی، بالا بردن سطح زندگی، کاهش فقر، کاهش بیکاری و نابرابری، تأمین امکانات بهداشتی، آموزشی و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه و نهایتاً توسعه‌ی انسانی بالاتر هستند. مفهوم توسعه‌ی انسانی، اولین بار توسط محبوب‌الحق، کیت گریفین، تری مک‌نلی و آمارتیا سن در سال ۱۹۹۰ مطرح شده است. قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰، درآمد سرانه‌ی هر کشور بعنوان شاخص پیشرفت اجتماعی و توسعه سطح زندگی در نظر گرفته می‌شد. درآمد سرانه برای دستیابی به سطح بالاتری از تولید ناخالص داخلی و رشد رفاه لازم بود، اما، نمی‌توانست بسیاری از جوانب مهم زندگی را در بر گیرد. بنابراین، تنها رشد اقتصادی مهم نیست، بلکه کیفیت توزیع و پایداری این رشد هم حائز اهمیت است. بنابراین، شاخص توسعه‌ی انسانی بعنوان مقیاس اندازه‌گیری توسعه معرفی شد که دامنه‌ی بیشتری از ابعاد اجتماعی و فرهنگی را در کنار بُعد اقتصادی در بر می‌گیرد. این شاخص در سال ۱۹۹۰ بعنوان مقیاس جدیدی از توسعه معرفی شد.

بر اساس نظریه توسعه‌ی انسانی، ثروتمندترین کشورها، مرفه‌ترین آنها نیستند و هیچ رابطه‌ی روشنی بین رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی وجود ندارد. برخی از کشورها ثروتمندند اما چیزی به بعضی بخش‌های جامعه ارائه نمی‌دهند، مانند برخی کشورهای تولیدکننده نفت که زنان در آنها از فرصت‌های چندانی برخوردار نیستند. بر اساس دیدگاه توسعه‌ی انسانی، تأکید بر ایجاد ظرفیت‌ها به جای مصرف کالاها و خدمات، شرایط گسترش پایدار انتخاب‌های انسانی را فراهم می‌آورد، چرا که ظرفیت‌سازی امکان بازتولید مداوم کالاها و خدماتی را ایجاد می‌کند که پاسخگوی نیازهای یک زندگی بهتر است. عمده تعاریف، از دو عنصر و هدف اساسی یعنی ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش قدرت آزادی و انتخاب انسان‌ها یاد می‌کنند.

توسعه‌ی انسانی، مسائلی فراتر از بخش‌های اجتماعی و درآمدی را در بر می‌گیرد؛ مسائلی نظیر محیط‌زیست، آزادی و مشارکت در دولت، حقوق انسانی، رفع تبعیض جنسی، مسئولیت‌پذیری و امکان اعتراض به عملکرد دولت. این به معنای گسترش دادن امکان

انتخاب‌های شهروندان است. در فرآیند توسعه، استعداد‌های جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی بارور و شکوفا می‌شود.

نظریه توسعه‌ی انسانی می‌کوشد تا انسان را در بطن توسعه قرار دهد و گزینه‌ها و انتخاب‌های او را متعدد سازد. توسعه‌ی انسانی اگر چه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش فکری تأکید می‌ورزد، اما رشد اقتصادی را به عنوان ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسان می‌گیرد. بنابراین شکل دادن به قابلیت‌های انسانی از قبیل آزادی‌های سیاسی و مدنی، وضعیت آموزش، بهداشت و قدرت اقتصادی باید به عنوان هدف اصلی جوامع توسعه‌نیافته مورد توجه قرار گیرد. بر اساس چنین نگرشی، مردم ثروت اصلی جوامع خواهند بود و هدف توسعه، فراهم کردن شرایط زندگی بهتر همراه با امنیت بیشتر می‌باشد. رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ، نابرابری، بی‌سوادی، و محرومیت، از جمله راه‌های گسترش قابلیت‌ها و انتخاب‌های انسانی می‌باشند و به این خاطر است که در سنجش توسعه‌ی انسانی بر سه معیار آموزش، درآمد و بهداشت تأکید شده است.

همچنان که اشاره شد، ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۹، در وضعیت توسعه انسانی شیب صعودی داشته و تارته ۷۰ ارتقاء یافته، که بیشتر متکی به افزایش امید به زندگی و طول سال‌های عمر و گسترش بهداشت و گسترش آموزش عمومی و دانشگاهی بوده است. در این مدت اما وضعیت درآمد سرانه رشد مناسبی نداشته است. وضعیت جهانی ایران در شاخص توسعه انسانی به این شرح می‌باشد: نمره ایران در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)، زیر ۰/۵/۵ یعنی در دسته کشورهای با توسعه انسانی پایین بوده است. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴)، به رده کشورهای با توسعه انسانی متوسط می‌پیوندد. در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، نمره ۰/۵۹ را کسب، و جایگاه متوسط را حفظ کرد. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) ایران در شاخص‌های توسعه انسانی نزول، و به رده کشورهای با توسعه انسانی پایین سقوط کرد. اما در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹)، به رده کشورهای متوسط برگشت و با نمره ۰/۵۶۷ به رته ۱۰۸ دست یافت. از سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴)، تا سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) یعنی ۱۰ سال، ۱۰ پله صعود کرد و به رته ۹۴ رسید. ایران، اولین بار در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) با نمره ۰/۷۴۳ و رته ۸۷، به جرگه کشورهای با توسعه انسانی بالا پیوست و رته آن نسبت به سال ۲۰۰۵، یعنی در عرض ۵ سال، ۷ پله صعود کرد. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، رشد خود را ادامه داد و ۱۲ پله صعود کرد. در سال ۲۰۱۵ جایگاه ایران باز هم بهبود یافت و از رته ۷۵

به رتبه ۶۹ ارتقاء پیدا کرد و به نمره ۰/۷۶۶ دست یافت. در سال ۲۰۱۹ بر اساس گزارش ۲۰۲۰، ایران توانست با کسب نمره امتیاز ۰/۷۸۳، به رتبه ۷۰ ارتقاء یابد که کم کم به مرز کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا (نمره ۰/۸ به بالا) نزدیک می‌شود.

از جمله مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی، سطح بهداشت است که با معیار امید به زندگی سنجیده می‌شود. شاخص امید به زندگی برای ایران ۷۶/۲ سال عنوان شده است که با کشورهای پیشرو در این حوزه، حدود ۱۰ سال فاصله دارد. همچنین، نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال به بالا برای ایران ۸۵ درصد است. درآمد سرانه ملی ایران، معادل ۱۹/۱۳۰ دلار محاسبه شده است. درآمد سرانه نروژ با رتبه نخست توسعه انسانی، ۶۸/۰۱۲ دلار است و قطر با درآمد سرانه ۱۱۶/۸۱۶ بالاترین رتبه را در مؤلفه درآمد سرانه داراست. بنابراین بیشترین بهبود در وضعیت شاخص امید به زندگی و پس از آن در وضعیت آموزش رخ داده است. اما بدترین وضعیت در بین مؤلفه‌های توسعه انسانی، متعلق به «درآمد ملی ناخالص سرانه» است. در طول سال‌های پس از انقلاب، به دلیل رویکرد محرومیت‌زدایی و انبوه درآمدهای نفتی که دولت‌ها صرف بهبود آموزش و بهداشت کرده‌اند، دو شاخص آموزش و بهداشت در کشور ارتقاء مناسبی داشته، اما میزان بهبود درآمد سرانه رضایت‌بخش نبوده است. وضعیت نامناسب ایران در درآمد سرانه، نقطه ضعف ایران در توسعه است و می‌تواند بر جایگاه ایران در منطقه اثر منفی جدی بر جای بگذارد. به هر ترتیب، طی سه دهه گذشته وضعیت ایران در شاخص توسعه انسانی پیشرفت داشته است. به بیان دیگر افزایش امید به زندگی (کاهش مرگ و میر و افزایش طول عمر در نتیجه گسترش بهداشت عمومی) و گسترش آموزش عمومی و تحصیلات دانشگاهی رتبه ایران را بالا برده است. اما معیار سوم توسعه انسانی یعنی درآمد سرانه (که برابری قدرت خرید را می‌سنجد) در ایران رشد محسوسی نداشته، و در حال کاهش نیز بوده است. اگر شاخص درآمد سرانه همچنان کاهش یابد، بر دو شاخص دیگر نیز اثرات منفی می‌گذارد و جایگاه ایران را در شاخص کل توسعه انسانی تنزل می‌دهد.

یکی از ابعاد بررسی شاخص توسعه انسانی بر حسب برابری جنسیتی است. در ایران طول عمر یا امید به زندگی زنان به طور متوسط حدود ۲ تا ۳ سال بیشتر از مردان است و در زمینه آموزش و تحصیلات نیز شرایط آنان مساوی و حتی به نفع زنان است؛ ولی در زمینه درآمد و شغل شکاف زیادی وجود دارد و این وضعیت ناپایدار خواهد بود.

ارزش شاخص توسعه انسانی قطر برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۴۸ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۴۵ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی قطر از ۰/۷۵۰ به ۰/۸۴۸ افزایش یافته که افزایشی ۱۳/۱ درصدی داشته است. طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۴/۴ سال، میانگین سالهای تحصیلی تا ۴/۳ سال، و سالهای مورد انتظار تحصیل تا ۰/۲ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه قطر نیز تا حدود ۵۰/۷ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

شاخص توسعه جنسیت برای ۱۶۷ کشور محاسبه شده است. ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان قطر ۰/۸۶۶ در مقایسه با ۰/۸۴۱ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۱/۰۳۰ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بحرین و امارات متحده به ترتیب ۰/۹۲۲ و ۰/۹۳۱ هستند.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی قطر، ۰/۱۸۵ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۴۳ می‌باشد. در قطر ۹/۸ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۷۶/۱ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۶۶/۲ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰۰/۰۰۰ تولد زنده، ۹ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۹/۹ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۵۶/۸ درصد در مقایسه با ۹۴/۷ درصد مردان است. در مقایسه، بحرین و امارات متحده عربی در این شاخص به ترتیب در رتبه ۴۹ و ۱۸ قرار دارند.

همچنان که در بخش‌های مختلف بر اساس آخرین گزارش توسعه انسانی نشان داده شد، سه عامل جمعیت، امید به زندگی و درآمد ملی سرانه وجه تمایز و عوامل تأثیرگذار بر شاخص و رتبه توسعه انسانی دو کشور ایران (رتبه ۷۰) و قطر (رتبه ۴۵) را در سال ۲۰۲۰ تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر اشاره کردیم که از جمله مؤلفه‌ها و حوزه‌های مهم قدرت نرم، اقتصاد است و توسعه انسانی یکی از مصادیق قدرت نرم به شمار می‌آید که از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد مقبولیت عام یافته است. در به کارگیری قدرت نرم و نیز حصول توسعه انسانی نتایجی مشترکاً به صورت تولید رضایتمندی، اعتقاد، اعتبار و تمکین به دست می‌آید زیرا قدرت اقتصادی یکی از مهمترین ابزارها در سیاست‌های قدرت نرم، و قدرت نرم اقتصادی، پرورش دهنده قدرت سخت اقتصادی است

که صرفاً با نیازهای مادی شناخته نمی شود، بلکه تحت تأثیر ترکیب خاصی از عقلانیت‌های راهبردی یا فنی اقتصادی (سودآوری، تولید، ثروت)، سیاسی (امنیت و رفاه عمومی و حفظ منزلت موجود)، و فرهنگی (ارزش-گرایی و مطلوب‌گرایی و کمال‌خواهی) می‌باشد.

در نهایت، مجموعه نتایج در قدرت نرم اقتصادی و پیشرفت توسعه انسانی باعث اقناع اقتصادی شده، موفقیت سیاستهای داخلی و خارجی و منطقه‌ای را در پی دارد و موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور در یک دوره اقتصادی می‌شود و استمرار آن، تبدیل به یک «الگوی اقتصادی» می‌شود. در مقایسه با قطر، به نظر می‌رسد مؤلفه‌های قدرت نرم اقتصادی در چارچوب توسعه انسانی نیاز به تقویت و توسعه دارند و اگر مورد غفلت قرار گیرند، جامعه اقتصادی با تهدید نرم اقتصادی مواجه خواهد شد که هدف آن، نابسامانی اقتصادی و شروع نارضایتی در اقتصاد است و ادامه آن، بر عکس مراحل قدرت نرم اقتصادی عمل خواهد کرد و چنانچه مدیریت نشود، در مراحل خود موجب کاهش اعتقاد و اعتبار اقتصادی در نزد مردم شده، اقتصاد را با بحران مواجه خواهد کرد. ادامه این بحران، الگوی اقتصادی تولید شده را نیز با چالش مواجه کرده و در نهایت، منجر به شکست و نابودی آن خواهد شد.

منابع

۱. امیری، نعمت‌الله (۱۳۹۰). «روش محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی»، ماهنامه‌ی بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌ی ۱۲، اسفند.
۲. برادران شرکاء، حمیدرضا (۱۳۸۸). چشم‌انداز استراتژیک کشورهای مسلمان (پژوهشنامه ۱۲)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). جامعیت مفهوم توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، تهران: سمت.
۴. جعفری، عباس (۱۳۸۲). گیتاشناسی کشورها، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۵. خاکپور، براتعلی و باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۹). «بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی»، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۶. خواجه پور، غلامرضا (۱۳۷۶). استراتژی توسعه‌ی انسانی، تعاون، (شماره‌ی ۶۷).
۷. حق‌پناهان، حمیدرضا و حامد کرمی، مجتبی همتی (۱۴۰۰). «رابطه بین حکمرانی خوب و صیانت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی ج.ا.ایران»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۴).
۸. زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
۹. سن، آمارتیا (۱۳۹۴). توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. سیف، الله‌مراد و دیگران (۱۳۹۲). «مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۸.
۱۱. شریف خطیبی، لیلا (۱۳۸۷). شاخص توسعه‌ی انسانی، ماهنامه‌ی کار و جامعه، شماره‌ی ۱۰۳، دی ماه.
۱۲. شریفی، کیومرث (۱۳۸۹). راهنمای تجارت با قطر، تهران: شرکت چاپ و نشر بازگانی.
۱۳. شیرزادی رضا (۱۳۹۹). نوسازی، توسعه، جهانی‌شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها، تهران: آگه.

۱۴. صالح، نسرين (۱۳۹۲). قطر، گام‌های بزرگ برای توسعه، شهریور، در: <http://tejarat.donya-e-eqtasad.com/fa>
۱۵. صمیمی، احمد و جعفری قدوسی، آمنه (۱۳۸۹). چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ قطر، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش راهبردی شماره ۱۲۴.
۱۶. عربی، زهرا و کاظمی، ابوطالب (۱۳۹۳). «تأثیر شاخص توسعه انسانی بر تولید ناخالص داخلی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال پنجم، شماره هفدهم.
۱۷. فطرس، محمد حسن و ترکمنی، اسماعیل (۱۳۹۱). «توسعه‌ی انسانی تعدیل شده و پایداری رشد اقتصادی: مقایسه‌ی تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال دوم، شماره‌ی هفتم.
۱۸. قاضیان، حسین (۱۳۷۱). «درباره تعریف توسعه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۳ و ۴، آذر و دی.
۹۱. گریفین، کیت و نایت، جان (۱۳۷۶). «توسعه انسانی: تاکید مجدد»، ترجمه علی دینی و معصومه سادات صالحی امین، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۹ و ۲۰، آبان و آذر.
۲۰. گریفین، کیت و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۵). تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
۲۱. محمودی، وحید (۱۳۸۷). «رابطه‌ی رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی»، فصلنامه‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۲۵۱-۲۵۲، مرداد و شهریور.
۲۲. منصوری، عیسی (۱۳۷۹). «توسعه انسانی زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره سوم و چهارم، آذر و دی.
۲۳. نصیری، سوناز (۱۳۹۹). «بررسی مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه (مطالعه موردی لبنان)»، دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان.
۲۴. هینز، جفری (۱۳۹۳). مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران: آگه.
۲۵. یوسفی لیمایی، فاطمه (۱۳۸۴). گزارش کشوری انرژی قطر، تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

26. Evans Peter & James Rauch (1999), "Bureaucracy and Growth: A Gross-National Analysis of the Effects of Weberian State Structures on

- Economic Growth”, American Sociological Review, V.64, N.5, (October 1999).
27. Gordon White, “Constructing a Democratic Developmental State”, in Mark Robinson and Gordon White. (ed.), The Democratic Developmental State: Politics and Institutional Design (New York: Oxford University Press Inc, 1998).
 28. UNDP(2020). Human Development Report 2020: The next frontier: Human development and the Anthropocenes, New York.
 29. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>
 30. <http://www.ers.usda.gov/topics/international-markets-trade/countries-regions/japan/basic-information.aspx>
 31. <http://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-worldenergy/2014-in-review.html>
 32. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>
 33. www.trade.gov/topmarket
 34. www.donya-e-qtasad.com/news/409512/#ixzz3pblYvJDu
 35. <http://khabaronline.ir/detail/268728/>
 36. www.mashreghnews.ir/fa/news/570082
 37. www.iribnews.ir/fa/news/1333149
 38. <http://www.csr.ir/fa/news/247/%D8%B4>
 39. <http://www.mehrnews.com/news/2407913>
 40. <http://www.persian-n-oriental-rugs.com/serapi-rugs.html>
 41. <http://www.iribnews.ir/fa/news/1178677D9%8>